




cm
INCH

فاتحه برخوانند تا سوره تمام از وی تواند شنید
و ماموم جز فاتحه نخواند مگر در نماز پیشین و دیگر
و در نمازی که دور افتاده باشند و آواز امام نشنوند
و امام تسبیح رکوع و سجود سه بار بیش نگوید و در تشهد
اول چون اللهم صل علی محمد و علی آل محمد بگفت برخیزد
و برین نیفزاید و در وقت سلام نیت سلام کند
بر قوم و قوم بسلام خویش نیت جواب کنند و چون
سلام داد پس بیک برخیزد و روی با قوم کند
و دعا کند و اگر جماعت زنان باشند روی باز کند

خداوند تعالی غافل مباش که در خبر است
که هر طهارت که با ذکر بود گناه را از همه اندام ببرد
و چون بی ذکر بود پیش از آن نبرد که آب بوی رسد
آداب غسل چون جنابتی رسد از احتلام یا از صحبت
اول دست بشوی و هر جا که آلوده باشد از تن پاک
کن آنگاه وضو کن چنانکه گفته آمد و پای شستن
تاخیر کن تا از غسل فارغ شوی تا آب ضایع نشود
چون وضو کردی سه بار آب بر جانب راست ریز
و سه بار بر جانب چپ و سه بار بر میان سر

قربان کرده باشد و در دوم ساعت چنان
باشد که گاوی قربان کرده باشد و در سیم ساعت
گوسفندی و در چهارم ماکیانی و در پنجم بیضه چون
امام بر منبر شد صحایف در نوردند و قلمها بر گیرند
و فرشتگان بسماع خطبه مشغول شوند و در خبر است
که نزدیکی خلق در نگریستن بحق سبحانه و تعالی
بوقت دیدار بر اندازه پگاه خاستن بود روز
آدینه و چون در جامع شدی صف اول طلب کن
و اگر مردمان آمده باشند پای در گردن مردمان

بگزاردن فرمانها و رفتن راه تقوی الا بد آنکه
پیوسته بمراقبه و نگاهبانی دل و اندامها مشغول
باشی و یک نفس و یک لحظه از خویشتن غافل نباشی
و بدانی که در هر لحظه حق سبحانه و تعالی مطلع است
بر ظاهر و باطن تو و آگاه است از اندیشه و خاطر تو
و دانا است بهرچه میرود بر زبان و چشم و دل
و جمله اندامهای تو که در جمله عالم یک ذره نجنبد و آرام
نگیرد الا که حق تعالی آن را می بیند و میداند چون این
بدانستی پیوسته با ادب باش در حضرت

و گفته است که مسجد نه برای این است و چون در
مسجد شدی منشین تا دو رکعت تحیت مسجد بکنی
و اگر سنت نکرده باشی بکن که آن بجای تحیت نیز
بایستد چون سلام دادی نیت اعتکاف
کن و بدعا و ذکر مشغول باش و هیچ غافل و بیکار
مباش و چون بانگ نماز شنوی درین حالت
و در هر حالت که باشی جز در نماز بجواب مؤذن
مشغول باش و همانچه میگوید میگوی و چون بحی علی الصلوة رسد
بگوی لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

که جایگاه خویش در بهشت نه بیند یا کسی دیگر آن را
نه بیند و این سوره را اگر شب آدینه بخواند ثواب
بسیار دارد و چون نتواند قل هو الله بسیار بخواند
و شب آدینه و روز آدینه صلوات بسیار دادن
بر رسول صلی الله علیه و آله و سلم فضلی بزرگ دارد
و چون خطیب بر منبر آید سخن نشاید گفت و نماز نشاید
کرد الا تحیت لیکن جواب مؤذن باز دهد و بسماع
خطبه مشغول شود و پندهای خطبه بپذیرد و البته
هیچ سخن نگوید که در خبر است که هر که مر کسی را گوید

خالی کن ونگاه کن که در خدمت که می ایستی
وبا که مناجات میکنی وخواهی کرد وشرم دار که
با دل غافل پیش خداوند بایستی وباسینه پر وسوسه
وشهوات دنیا فرا پیش وی شوی بدانکه وی
بر درون تو مطلع است ونظر وی همه بدل تست
ونماز تو که بپذیرد بزاری وخشوع وفروتنی وی
وبیچارگی تو بپذیرد وباید که در پیش وی چنان ایستی که وی را
می بینی اگر او را نمی بینی وی ترا می بیند اگر دل بدین حاضر
نمیشود بدانکه چشم دل تو نابیناست از دریافت عظمت

وآمین نیز بآواز گوی در نماز بامداد سورهایی که در
آخر قرآن درازتر است برخوان ودر نماز شام آنکه
کوتاه تر است ودر نماز پیشین ودیگر وخفتن آنکه
میانه است چون والسماء ذات البروج ومانند
آن ودر نماز بامداد در سفر قل یا ایها الکافرون
وسوره اخلاص وآخر سوره بتکبیر رکوع مپیوند
لیکن چندان خاموش باش که سبحان الله توان گفت
پس تکبیر رکوع آغاز کن وتا بر پای باشی پشت راست دار
وسر در پیش دار وچشم بر جایگاه سجود دار و

راضٍ و اعوذ بک من روایح النار و من
سوء الدار انگاه بهر دو دست آب بر سر
و جمله روی بشوی و از سر گوش تا گوشه پیشانی
خطی است بکشش و هر قدر مویی که سوی وی آمده
باشد از آن خط آب را باصل آن موی برسان
و همچنین آب باصل چهار موی برسان
ابرو و موی لب و مژگان و مویی که میان
روی و گوش باشد و چون محاسن بزرگ
نشده باشد چنانکه پوست بتوان دید آب

انگشتان خلال کن بانگشت کهین دست
چپ که خنصر گویند و ابتدا بانگشت کهین
پای است کن و ختم بکهین پای چپ کن و بگوی
اللهم ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل
الاقدام فی النار و بوقت پای چپ شستن بگوی
اللهم انی اعوذ بک ان تزل قدمی علی الصراط
یوم تزل اقدام المنافقین چون فارغ شوی روی
بقبله کن و بگوی اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله



از روزه روز آدینه تنها و چون صبح روز آدینه
برآید غسل کن که غسل درین روز سنتی مهم است
پس جامه سفید در پوش که خداوند تعالی جامه سفید را
دوست تر دارد و بوی خوش بکار بدار و جمله
تن پاک کن بدانکه موی لب و زیر دست و زیر
ناف را تعهد کنی و ناخن بچینی و مسواک کنی
پس بگاه بمسجد جامع شوی و در راه آهسته و
بحرمت روی که در خبرست که هر که در ساعت
اول بمسجد جامع شود همچنان باشد که اشتری

بود که میان کلوخ و آب جمع کنی و استنجا
جز بدست چپ مکن و بگوی اللهم طهر قلبی
من النفاق وحصن فرجی من الفواحش
و چون از استنجا باب فارغ شدی دست
بزمین یا بدیوار در مال آنگاه بشوی که هیچ
بوی نماند چون از نشستن فارغ شدی بگوی
غفرانک یعنی آمرزش میخواهم و خویشتن را
بخرقه خشک کن تا تمام آداب بجای آورده باشی

آداب وضو چون از استنجا فارغ شدی